



ارزش‌گذاری اقتصادی مشارکت در ورزش و تعیین میزان تمایل افراد به پرداخت هزینه (تقاضا برای ورزش)

مازیار کلاشی^{۱*}، جواد کریمی^۲، حسین عیدی^۳

تاریخ تصویب: ۹۸/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارزش‌گذاری اقتصادی مشارکت در ورزش و تعیین میزان تمایل افراد به پرداخت هزینه (تقاضا برای ورزش) بود. اطلاعات مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه انتخاب دوگانه دوبعدی، که بخشی از آن طریق توزیع الکترونیکی و مصاحبه به‌صورت آنلاین و بخشی دیگر از طریق توزیع، به صورت چاپی و مصاحبه رودرو از افرادی که درآمد مستقل داشتند، جمع‌آوری شده است؛ در نهایت تعداد ۳۶۹ پرسشنامه مبنای تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. در این پژوهش، با استفاده از روش ارزش‌گذاری مشروط و مدل رگرسیونی لجیت، تمایل به پرداخت افراد جهت مشارکت در ورزش و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته است و بر اساس روش حداکثر راست‌نمایی ضرایب پارامترهای این مدل برآورد شده‌اند. جهت تجزیه و تحلیل آماری متغیرها، محاسبات ریاضی و تخمین پارامترهای الگوی لجیت، از نرم‌افزارهای MAPLE و SHAZAM استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد متغیرهای تعداد افراد خانواده، تأهل، سن و قیمت پیشنهادی دارای اثرات معنادار بر روی احتمال تمایل به پرداخت برای مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی بوده است اما متغیر تحصیلات، درآمد ماهیانه خانواده، جنسیت و میزان اهمیت ورزش معنادار نبوده است. میانگین تمایل به پرداخت برای هر فرد ۶۶۸۹۹/۵ تومان در ماه و همچنین ارزش سالانه مشارکت در ورزش ۸۰۲۷۹۴ تومان برای هر فرد برآورد گردیده است. در نهایت به برنامه‌ریزان توسعه ورزش پیشنهاد می‌شود جهت افزایش مشارکت در ورزش از ابزارهای مختلف من جمله بازاریابی اجتماعی و برگزاری مسابقات در سطح خرد (محلات و مناطق) استفاده نمایند.

کلید واژه‌ها: ارزش‌گذاری، تقاضا، مشارکت ورزشی، اقتصاد ورزش، هزینه‌های ورزشی.

Email: Kalashi.mazyar@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران*

Email: karimi3488@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

Email: eydihosseini@gmail.com

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

اهمیت مشارکت ورزشی برای سلامتی و رفاه در مطالعات متعدد نشان داده شده است و با افزایش نگرانی در مورد مسائل بهداشتی مانند شیوع چاقی، سلامت و رفاه شهروندان، نقش مشارکت ورزشی در بهبود زندگی شهروندان به یک موضوع بسیار مهم و حیاتی برای سیاست‌گذاران تبدیل گشته است. علاوه بر این، باید اذعان نمود که ورزش نه تنها نقش مهمی در سلامت دارد، بلکه می‌تواند به همبستگی و انسجام اجتماعی نیز کمک نماید (هلمن و بروئر^۱، ۲۰۱۴). همچنین افزایش مشارکت در ورزش می‌تواند به ایجاد اشتغال، بهبود سلامت (کاهش هزینه‌های درمان)، افزایش غرور ملی، افزایش به‌زیستی (کیفیت زندگی)، کاهش میزان جرم و جنایات و بزهکاری، کاهش مصرف مواد مخدر و سیگار، افزایش امید به زندگی، رشد اقتصاد منطقه‌ای و بهبود چهره کشورها در عرصه بین‌المللی و جهانی نیز منجر گردد (کلاشی و همکاران، ۱۳۹۵). در حال حاضر یک درک رو به رشد در میان سیاست‌گذاران و محققان بهداشت عمومی وجود دارد که تصمیمات فردی در مورد مشارکت در فعالیت‌های بدنی، از جمله ورزش، دارای یک مؤلفه اقتصادی مهم است (هامفریس و روسسکی^۲، ۲۰۰۶). مؤلفه‌های اقتصادی می‌توانند نقش مهمی در توسعه درک ترجیحات افراد داشته باشند و به‌عنوان یک عامل تعدیل‌کننده بین منابع کمیاب (زمان و پول) عمل نمایند (استورم^۳، ۲۰۰۴؛ کاولی^۴، ۲۰۰۴). در کنار مؤلفه‌های اقتصادی (میزان درآمد و میزان تمایل به پرداخت) برخی مؤلفه‌های اجتماعی نیز وجود دارند که می‌توانند بر ترجیحات افراد تأثیرگذار باشند، از جمله: سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد افراد خانواده و غیره.

یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین روش‌های مبتنی بر داده‌های ترجیحات اظهار شده، روش ارزش‌گذاری مشروط می‌باشد که به‌عنوان یکی از روش‌های استاندارد و انعطاف‌پذیر برای برآورد ارزش کالاهای غیربازاری به‌کار می‌رود. در این روش فرض بر این است که افراد دارای تابع مطلوبیت به شکل زیر می‌باشند:

$$U = u(Y, S) \quad (1)$$

که در آن، U اندازه مطلوبیت غیرمستقیم فرد است که مقدار آن تحت تأثیر درآمد فرد (Y) و برداری از عوامل اقتصادی-اجتماعی (S) قرار دارد (هانمن^۵، ۲۰۰۷). به‌طور کلی فرد زمانی حاضر به پرداخت برای مشارکت در ورزش خواهد بود که مطلوبیت او، زمانی که در ورزش مشارکت می‌کند و مبلغی را که به‌عنوان هزینه مشارکت در ورزش می‌پردازد از زمانی که تمایل ندارد مبلغی را برای مشارکت در ورزش بپردازد، بزرگتر باشد. با این حال افراد در فعالیت‌های مصرفی خود به درآمدی^۶ که به‌دست می‌آورند (I) و قیمت^۷ کالاها و خدماتی که می‌خواهند مصرف کنند (P)، محدود می‌شوند (رضوی و بلوریان، ۱۳۹۲). هامفریس و روسسکی (۲۰۰۹) در این زمینه اظهار می‌دارند که افرادی که درآمد بالاتری دارند اغلب بیشتر از هم‌تایان خود که درآمد پایین‌تری دارند به ورزش علاقه دارند. در ادامه به موارد بالا می‌باید میزان اهمیت و اولویت^۸ کالاها (p) را نیز اضافه نمود. مصرف‌کنندگان در دوران رفاه اقتصادی (افزایش درآمد) با خوش‌بینی، درصد کمتری از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند و در مصرف برخی محصولات مصرفی و خرید کالاهای سرمایه‌ای آسان‌گیرانه‌تر رفتار می‌کنند و ممکن است مصرف برخی محصولات که پست محسوب می‌شوند، کاهش یابد، به همین منوال با توجه به کاهش درآمد یا توان خرید، مصرف‌کنندگان تمایل کمتری به خرید و مصرف کالاهای غیرضروری از دیدگاه خود پیدا می‌کنند (شیبانی و شایسته، ۱۳۹۴).

$$I = P_1p_1 + \dots + P_kp_k \quad (2)$$

1. Hallmann & Breuer
2. Humphreys & Ruseski
3. Sturm
4. Cawley
5. Haneman
6. Income
7. Price
8. Priority

بنابراین با توجه به سطح درآمد و میزان اهمیت و اولویت ورزش برای افراد، چندین حالت متفاوت را می‌توان برای تمایل به پرداخت متصور شد. در جدول (۱) می‌توان میزان تمایل به پرداخت را در وضعیت‌های متفاوت مشاهده نمود.

جدول ۱: میزان انتظار تمایل به پرداخت برای مشارکت در ورزش

درآمد	اهمیت	تمایل به پرداخت
افزایشی	کم	کم
	متوسط	رو به بالا
	زیاد	خیلی زیاد
ثابت	کم	کم
	متوسط	متوسط
	زیاد	رو به بالا
کاهشی	کم	خیلی کم
	متوسط	رو به پایین
	زیاد	متوسط

پیش‌فرض‌های پژوهش

حال اگر به موارد فوق هزینه مشارکت در ورزش را هم بیفزاییم وضعیت کمی پیچیده شده و تعداد حالت‌های مورد انتظار افزایش خواهد یافت. در نتیجه و از آنجایی که در ارزش‌گذاری مشروط، تمایل به پرداخت از طریق چندین پیشنهاد (پیشنهاد اولیه متوسط، کم، زیاد و پیشنهاد نهایی - حداکثر) سنجیده می‌شود، در ادامه به تشریح این پیشنهادات در زمینه مشارکت در ورزش پرداخته خواهد شد. اگر مبلغ پیشنهادی اولیه B ریال باشد، از پاسخ‌دهنده سؤال می‌شود که آیا مایل است مبلغ B ریال را برای مشارکت در ورزش بپردازد و یا خیر؟ پر واضح است که فرد با توجه به سطح درآمد و میزان اهمیت مشارکت در ورزش ممکن است به این سؤال پاسخ مثبت و یا منفی دهد. حال اگر پاسخ وی منفی باشد مبلغ پیشنهادی پایین‌تر به وی ارائه می‌گردد و اگر بازهم پاسخ منفی باشد از وی سؤال می‌گردد که حداکثر مبلغی که تمایل دارد برای مشارکت در ورزش هزینه نماید به چه میزان است. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که این مبلغ نیز می‌تواند صفر یا عدم تمایل به پرداخت پول باشد. اما اگر پاسخ در مورد پیشنهاد اولیه مثبت باشد مبلغ پیشنهادی بالاتر به وی ارائه گشته و در صورت پاسخ مثبت مجدد، حداکثر مبلغی که فرد تمایل دارد برای مشارکت در ورزش هزینه نماید از وی درخواست می‌شود.

به‌طور کلی تمایل پرداخت تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌باشد که در قالب رابطه (۳) ارائه شده است.

$$dV = dV(INC, B, S) \quad (3)$$

که در آن dV تمایل به پرداخت، INC درآمد ماهیانه، B مبلغ پیشنهادی و S خصوصیات فردی می‌باشد. با توجه به پیش‌فرض‌های پژوهش میزان اهمیت را نیز به رابطه (۳) اضافه می‌نماییم:

$$dV = dV(INC, B, S, RI) \quad (4)$$

که در آن RI میزان اهمیت می‌باشد.

درباره متغیرهای تشکیل دهنده خصوصیات فردی (S) نیز می‌توان پیش‌فرض‌های زیر را در نظر گرفت:

۱. با توجه به افزایش سن، توانایی‌های فیزیکی و شرایط سلامتی به‌طور مشخص کاهش می‌یابد (هامفریس و روسسکی، ۲۰۰۹) در نتیجه احتمال مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی نیز کاهش می‌یابد.

۲. جنس به‌طور کلی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین مشارکت ورزشی ایفا می‌کند و تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که احتمال مشارکت مردان در ورزش و فعالیت‌بدنی بیشتر از زنان می‌باشد (فرل و شیلدس^۱، ۲۰۰۲).

۳. افزایش سطح تحصیلات موجب افزایش دانش و سواد ورزشی می‌شود که می‌تواند بر نحوه تخصیص زمان و درآمد فرد در امور روزمره تأثیرگذار باشد. بنابراین با افزایش سطح تحصیلات فردی، انتظار می‌رود سطح بالاتری از مهارت‌های ورزشی به دست آید که احتمال مشارکت ورزشی را در محدوده محدودیت‌های پولی و زمانی افزایش می‌دهد. نتایج تحقیقات نیز نشان داده است که یک زمینه آموزشی خوب تأثیر مثبتی بر مشارکت ورزشی دارد (بوئر^۲، ۲۰۰۶؛ فرل و شیلدس^۳، ۲۰۰۲).

در جدول (۲) به تشریح مطالعاتی که در زمینه عوامل مؤثر بر مشارکت در ورزش صورت پذیرفته‌اند، پرداخته خواهد شد.

جدول ۲: نتایج پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر

مرجع	نتایج
هلمن و بروئر (۲۰۱۴)	نتایج نشان داد از یک سو عوامل مختلف اجتماعی-اقتصادی و شناخت اجتماعی مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده مشارکت در ورزش به‌شمار می‌روند و از سوی دیگر عامل تکرار و تنوع ورزش از دیگر عوامل تأثیرگذار می‌باشد.
انوکی ^۴ و همکاران (۲۰۱۴)	نتایج نشان داد که مشارکت در فعالیت‌بدنی با هزینه هر بار مراجعه (به‌عنوان مثال هزینه مراقبت از اعضای خانواده/ کودک، هزینه پارکینگ و هزینه خدمات) و همچنین ارزش هزینه مسافرت رابطه منفی دارد و همچنین نتایج نشان داد مشارکت در فعالیت‌بدنی به هزینه مسافرت نسبت به هزینه هر بار مراجعه حساس‌تر است.
انوکی و همکاران (۲۰۱۲)	نتایج نشان داد زمان (زمان سفر و یا دسترسی) ارتباط منفی با تقاضا برای ورزش دارد همچنین قیمت ارتباط مثبتی با قیمت تعیین شده دارد.
پاولوسکی و بروئر ^۵ (۲۰۱۱)	نتایج نشان داد که سن، بیکاری، بازنشستگی، تعداد فرزندان و تأهل بر تقاضا برای تناسب اندام تأثیر معناداری ندارد اما سطح تحصیلات و عدم ازدواج تأثیر مثبت و معناداری بر تقاضا برای تناسب اندام را دارا بوده است.
استراوینسکی ^۶ (۲۰۱۰)	نتایج نشان داد سن و زن بودن تأثیر منفی بر مشارکت در ورزش دارد همچنین سطح درآمد، عدم فعالیت‌بدنی، خود اشتغالی بیکاری تأثیر معناداری بر مشارکت در ورزش ندارد.
لرا لویز و رین گرت ^۷ (۲۰۰۷)	نتایج تأثیر مثبت جنسیت و سن و تأثیر منفی برخی از مقوله‌های حرفه‌ای را تأیید کرده است. همچنین نتایج نشان داد میزان تحصیلات پایین و میزان درآمد پایین افراد به‌عنوان یک مانع قلمداد نشده است. در نهایت عنوان کردند که هزینه‌های مصرف‌کننده در ورزش بر اساس جنسیت، آموزش، سطح درآمد و بعضی از گروه‌های شغلی تعیین می‌شود.
دونوآرد و ریوردن ^۸ (۲۰۰۷)	نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی و شخصی در تعیین مشارکت ورزشی نقش مهمی دارد و در نتیجه این ویژگی‌هایی است که سیاست‌مداران باید بر آن تمرکز کنند.
هامفریس و روسسکی (۲۰۰۶)	نتایج نشان داد سن، تأهل، تعداد فرزند، بیکاری و زن بودن تأثیر منفی بر مشارکت در ورزش دارد اما درآمد خانوار، سطوح تحصیلات، بازنشستگی و سطوح گزارشات پزشکی تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت در ورزش خواهد داشت.

بررسی‌های نگارندگان از یکسو نشان از آن دارد که پژوهشی با ماهیت بررسی عوامل مؤثر بر تقاضا برای ورزش در کشور صورت پذیرفته است و انجام پژوهشی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. در واقع می‌توان با شناسایی عوامل مؤثر بر تقاضا برای ورزش، شرایطی فراهم گردد تا با شناخت جامع‌تری از این عوامل سعی در مرتفع‌سازی مشکلات در این خصوص داشت. در واقع این پژوهش، می‌تواند مشارکت در ورزش را از منظر ارزش‌گذاری اقتصادی مورد توجه قرار دهد. بنابراین خلاء پژوهش از آنجا مورد تأکید است که علاوه بر عدم وجود تحقیقی در این زمینه در ایران، در حال حاضر به دلیل فشارهای زیاد اقتصادی

1. Farrell & Shields
2. Breuer
3. Farrell, & Shields
4. Anokye
5. Pawlowski & Breuer
6. Strawinski
7. Lera-López & Rapún-Gárate
8. Downward & Riordan

به آحاد جامعه، بسیاری از فعالیت‌های روزمره مردم که مربوط به صرف مخارج است، از طرف آنها نادیده گرفته می‌شود. بنابراین مشکلات اقتصادی به‌طور قطع به یقین بر مشارکت ورزشی افراد نیز تأثیر منفی خواهد گذاشت؛ در نتیجه با تعیین میزان تمایل افراد به پرداخت هزینه برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی می‌توان اقداماتی را در راستای کمک به باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی جهت تعیین قیمت مناسب و همچنین کمک به دولت‌مردان و سیاست‌گذاران بخش ورزش و سلامت برای برخورداری از حضور حداکثری مردم در ورزش انجام داد که میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی افزایش یابد. از سوی دیگر با توجه به لزوم شناخت عوامل تعیین‌کننده تقاضا برای ورزش که می‌تواند اطلاعات مناسبی را در اختیار تصمیم‌گیران کلیدی و برنامه‌ریزان حوزه ورزش و سلامت و حتی بنگاه‌های اقتصادی فعال در حوزه صنعت ورزش قرار دهد، ضرورت انجام چنین پژوهشی را دوچندان می‌کند. در نتیجه هدف از پژوهش حاضر ارزش‌گذاری اقتصادی مشارکت در ورزش و تعیین میزان تمایل افراد به پرداخت هزینه (تقاضا برای ورزش) می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه برای ارزش‌گذاری اقتصادی مشارکت در ورزش و تعیین میزان تمایل افراد به پرداخت هزینه از روش ارزش‌گذاری مشروط استفاده شده است. این روش تمایل به پرداخت را تحت سناریوهای بازار فرضی معین، تعیین نماید. در روش انتخاب دوگانه فرض می‌شود افراد دارای تابع مطلوبیت زیر هستند.

$$U = U(Y, S) \quad (5)$$

که در آن U تابع مطلوبیت غیرمستقیم، Y درآمد فرد و S برداری از سایر عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر ترجیحات فرد می‌باشد. هر فرد حاضر است مبلغی از درآمد خود را برای مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی به‌عنوان مبلغ پیشنهادی (A) بپردازد که این استفاده باعث ایجاد مطلوبیت برای وی می‌شود. میزان مطلوبیت ایجاد شده بر اثر مشارکت در ورزش بیشتر از حالتی است که وی در ورزش مشارکت نمی‌کند. رابطه زیر آن را نشان می‌دهد (هانمن، ۲۰۰۷).

$$\epsilon_1 U(1, Y-A; S) \geq U(0, Y; S) + \epsilon_0 \quad (6)$$

که در آن 1 پذیرش مبلغ پیشنهادی، 0 عدم پذیرش مبلغ پیشنهادی، A مبلغ پیشنهادی و ϵ_1 و ϵ_0 متغیرهای تصادفی با میانگین صفر هستند که به‌طور تصادفی و مستقل از هم‌دیگر توزیع شده‌اند. تفاوت ایجاد شده در مطلوبیت (ΔU) بر اثر مشارکت در ورزش عبارت است از (آسافو آدجای و تاپسوان^۱، ۲۰۰۸).

$$\Delta U = U(1, Y - A; S) - U(0, Y; S) + (\epsilon_1 - \epsilon_0) \quad (7)$$

در ارزش‌گذاری مشروط سه روش برای محاسبه WTP (تمایل به پرداخت) وجود دارد: روش اول، موسوم به متوسط WTP است که از آن برای محاسبه مقدار انتظاری WTP به‌وسیله انتگرال‌گیری عددی در محدوده صفر تا بی‌نهایت استفاده می‌شود. روش دوم، موسوم به متوسط WTP کل است که برای محاسبه مقدار انتظاری WTP به‌وسیله انتگرال‌گیری عددی در محدوده $-\infty$ تا ∞ به‌کار می‌رود و روش سوم، موسوم به متوسط WTP قسمتی است و از آن برای محاسبه مقدار انتظاری WTP به‌وسیله انتگرال‌گیری عددی در محدوده صفر تا پیشنهاد ماکزیمم (A) استفاده می‌شود. از بین این سه روش، روش سوم بهتر است؛ زیرا این روش ثبات و سازگاری محدودیت‌ها با تئوری، کارایی و توانایی جمع‌شدن را حفظ می‌کند (لی و هان، ۲۰۰۲). برای محاسبه میانگین تمایل به پرداخت افراد، از متوسط WTP قسمتی، استفاده شده است. مقدار انتظاری WTP به‌وسیله انتگرال‌گیری عددی در محدوده صفر تا بالاترین پیشنهاد (A) به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$E(WTP) = \int_0^{maxA} f_{\mu}(d\mu) = \int_0^{maxA} \frac{1}{1 + \exp(-a^* + \beta A)} dA \quad (8)$$

که $E(WTP)$ مقدار انتظاری تمایل به پرداخت و a^* عرض از مبدأ تعدیل شده می‌باشد که به‌وسیله جمله اجتماعی-اقتصادی به جمله عرض از مبدأ اصلی (a) بدین صورت $a^* = (a + \gamma Y + \theta S)$ اضافه شده است.

برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه انتخاب دوگانه دویعدی با اقتباس از پرسشنامه صفایی (۱۳۹۳) استفاده شده است ضمناً باید توجه داشته باشیم که طراحی پرسشنامه‌های مؤثر در روش ارزش‌گذاری مشروط، از یک فرمول سفت و سخت تبعیت نمی‌کند؛ بلکه باید متناسب با کاربرد خاصش تنظیم شود در نتیجه در پژوهش حاضر نیز با توجه به ماهیت پژوهش با اعمال برخی تغییرات پرسشنامه مورد نیاز تدوین گشته است که بخشی از آن از طریق توزیع الکترونیکی و مصاحبه به‌صورت آنلاین و بخشی دیگر از طریق توزیع، به‌صورت چاپی و مصاحبه رودرو از افرادی که درآمد مستقل داشتند، جمع‌آوری شده است؛ تا این افراد بتوانند به‌طور مستقل در مورد پرداخت مبلغ به‌عنوان تمایل به پرداخت تصمیم بگیرند و در این زمینه اختیار کامل داشته باشند. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه افراد شرکت‌کننده در ورزش و فعالیت‌های بدنی می‌باشند که بدلیل نامشخص بودن حجم جامعه از فرمول کوکران^۱ جهت برآورد حجم نمونه استفاده شده است. به منظور کسب قیمت پیشنهادی اولیه و جمع‌آوری داده و همچنین برآورد تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ابتدا تعداد ۳۰ پرسشنامه در یک نمونه‌گیری تصادفی ساده در بین جامعه هدف توزیع گشته و اطلاعات حاصل از آن، پیشنهاد اولیه ۵۰ هزار تومان و واریانس اولیه محاسبه و نتایج آن در قالب جدول (۳) ارائه شده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده نیز، نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است.

جدول ۳: اطلاعات مربوط به نحوه برآورد نمونه و تعداد پرسشنامه‌ها

واریانس اولیه	برآورد نمونه	توزیع شده	برگشتی	قابل استفاده
۰/۲۳۶	۳۶۳	۴۰۰	۳۷۶	۳۶۹

برای اطمینان از روایی پرسشنامه، از روش روایی محتوایی با استفاده از نظرات ۶ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و متخصصان مربوطه استفاده گردیده است. بنابراین بعد از اعمال کلیه پیشنهادات اصلاحی، تغییرات در پرسشنامه جهت مطابقت با شرایط و ویژگی‌های جامعه آماری مورد تحقیق، بر اساس نظرات اساتید، صورت پذیرفت. برای برآورد پایایی پرسشنامه نیز به دلیل اینکه پرسش‌های این پرسشنامه به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند (داده‌های اسمی و رتبه‌ای) که نمی‌توان نمره کل پرسشنامه را محاسبه نمود، به تبع آن امکان استفاده از آلفای کرونباخ نیز وجود نداشته است. در نتیجه پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب توافق کاپا مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج آن در محدوده متوسط (۰/۴۱-۰/۶۰) تا تقریباً کامل (۰/۸۱-۱)، مورد تأیید قرار گرفته است.

متداول است که از یک پیشنهاد اولیه با قیمت آغازین، شروع می‌کنند تا مشخص شود آیا پاسخ دهنده آن را می‌پذیرد یا نه. اگر او همین ابتدا موافقت کند، آنگاه فرایند مکرری آغاز می‌شود که به تدریج قیمت پایه افزایش می‌یابد تا این‌که آن شخص بیان کند که مایل به پرداخت مبلغ اضافی نیست. آخرین رقم پیشنهادی توسط پاسخ دهنده، حداکثر میل به پرداخت او می‌باشد. پرسشنامه مذکور در دو بخش طراحی شد. در بخش اول، اطلاعات مربوط به ویژگی‌های شخصی، اجتماعی و اقتصادی فرد پاسخگو و در بخش دوم، پرسش‌های مربوط به تمایل به پرداخت افراد مطرح شد. در این بخش، سه قیمت پیشنهادی ۳۰۰۰۰ و ۵۰۰۰۰ و ۷۰۰۰۰ تومان به‌صورت پرسش‌های وابسته و مرتبط به هم مطرح گردید. این مقادیر براساس پیش‌آزمون انتخاب شدند. در آخرین پرسش از فرد پاسخگو حداکثر تمایل به پرداخت به شکل اختیاری پرسش می‌شود. این رقم به‌عنوان پیشنهاد بیشینه در محاسبه انتگرال تمایل به پرداخت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش، جهت تجزیه و تحلیل آماری متغیرها، محاسبات ریاضی و تخمین پارامترهای الگوی لوجیت، از نرم‌افزارهای MAPLE و SHAZAM استفاده شده است.

$$1. n = \frac{Z^2_{\alpha/2} \times S^2}{d^2}$$

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جمعیت مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۶۴/۳ درصد افراد زن و ۳۵/۷ درصد آنان مرد بودند. ۲۶/۸ درصد نمونه آماری دارای مدرک فوق لیسانس بوده‌اند که بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین آن مربوط به فوق دیپلم با ۸/۶ درصد بوده است. ۳۶/۵ درصد افراد مجرد و ۶۳/۵ درصد افراد متأهل بوده‌اند. ۳۰/۳ درصد افراد درآمدی بین ۲ تا ۳ میلیون تومان در ماه داشته‌اند که بیشتر مقدار فراوانی در این مقوله بوده است و کمترین آن مربوط به کمتر از ۱ میلیون تومان بوده که ۲۰ درصد افراد مورد مطالعه را تشکیل داده است. بررسی میزان اهمیت ورزش نیز نشان می‌دهد که ۳۱/۹ درصد افراد میزان اهمیت خیلی زیاد را انتخاب نموده و ۱۰/۸ درصد میزان اهمیت کم را برگزیده‌اند. و در نهایت ۳۱/۱ درصد افراد تمایلی به پرداخت مبلغی برای مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی نداشته و ۶۸/۹ مایل به پرداخت هزینه جهت مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی بوده‌اند. نتایج حاصل از تخمین مدل در قالب جدول (۴) قائل مشاهده می‌باشد. همان‌گونه که این جدول نشان می‌دهد، متغیرهای تعداد افراد خانواده، تأهل و قیمت پیشنهادی معنادار بوده و بر روی احتمال تمایل به پرداخت برای مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی مؤثر می‌باشند اما متغیر تحصیلات، درآمد ماهیانه خانواده، سن، جنسیت و میزان اهمیت ورزش معنادار نشده‌اند.

جدول ۴: نتایج برآورد الگوی لجیت از روش حداکثر درست نمایی

متغیرها	ضرایب برآورده شده	آماره تی	کشش کل وزنی	اثر نهایی
ضریب ثابت	۶/۳۵	***۳/۶۵	۰/۴۶۴	-
تحصیلات	۰/۲۹	۰/۱۴	۰/۸۰۲	۰/۳۹۱
درآمد ماهیانه خانواده	۰/۲۴	۰/۸۰	۰/۴۶۳	۰/۳۲۱
سن	۰/۴۰	۱/۴۸	۰/۷۵۱	۰/۵۴۳
تعداد افراد خانواده	-۰/۶۹	***-۳/۵۸	-۰/۱۸۱	-۰/۹۳۶
تأهل	-۱/۴۲	**۲/۳۹	-۰/۷۷۹	-۰/۱۹۲
جنسیت	-۰/۲۶	-۰/۴۷	-۰/۶۴۸	-۰/۳۶۳
میزان اهمیت ورزش	۰/۵۴	۰/۱۱	۰/۲۹۸	۰/۱۵۳
مبلغ پیشنهادی	-۴/۶۸	***-۵/۹۴	-۰/۳۱۱	-۰/۶۳۲
درصد پیش‌بینی صحیح	۰/۹۲۶۸۳		تابع لگاریتم درست‌نمایی	-۶۲/۸۳۶
معناداری	۰/۰۰۰۱		نسبت راست‌نمایی	۳۳۰/۵۹۸
ضریب تعیین مادالا	۰/۵۹۱۷۷		ضریب تعیین مک فادن	۰/۷۲۴۵۷
*** و ** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱ و ۵ درصد			ضریب تعیین استرلا	۰/۷۹۶۹۶

تفسیر نتایج فوق براساس علامت مثبت و یا منفی هر یک از متغیرهای تحقیق نشان از آن دارد که منطبق با مدل تئوریک قیمت پیشنهادی دارای اثر منفی بر تمایل به پرداخت جهت مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی می‌باشد. بدین صورت که با افزایش قیمت پیشنهادی احتمال پذیرش آن کاهش خواهد یافت.

ضریب متغیر جنسیت منفی شده است. با توجه به اینکه برای مردها عدد ۱ و برای زن‌ها عدد ۰ قرار دادیم، این مطلب حاکی از آن است که بانوان نسبت به آقایان احتمال بیشتری دارد که تمایل به پرداخت داشته باشند.

ضریب متغیر تأهل منفی شده است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که افراد متأهل نسبت به افراد مجرد احتمال کمتری دارد که تمایل به پرداخت داشته باشند.

ضریب متغیر تحصیلات مثبت شده است. این بدین معنی است که با افزایش میزان تحصیلات و آگاهی، احتمال داشتن تمایل به پرداخت جهت مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی افزایش می‌یابد.

ضریب متغیر تعداد اعضای خانواده منفی شده است. این نشان می‌دهد که تحت سناریوی بازار فرضی، افرادی که در خانواده‌های پرجمعیت زندگی می‌کنند احتمال کمتری دارد که تمایل به پرداخت داشته باشند؛ که این امر به دلیل مخارج بالای زندگی در خانواده‌های پر جمعیت می‌باشد.

ضریب متغیر درآمد که یکی از مهمترین متغیرهای توضیحی می‌باشد مثبت شده است و این علامت با تئوری مطابقت دارد و حاکی از آن است که تحت سناریوی بازار فرضی، میزان پذیرش مبلغ پیشنهادی ارائه شده، همراه با افزایش درآمد افزایش می‌یابد.

ضریب متغیر سن مثبت شده است. بدین ترتیب با افزایش سن، احتمال پذیرش مبلغ پیشنهادی افزایش می‌یابد. ضریب متغیر میزان اهمیت ورزش مثبت شده است. بدین ترتیب با افزایش اهمیت ورزش، احتمال پذیرش مبلغ پیشنهادی افزایش خواهد یافت.

در نهایت برای محاسبه میانگین تمایل به پرداخت افراد و استفاده از آماره‌های مورد نیاز آن، می‌باید نسبت به حذف متغیرهای بی‌معنی در مدل اولیه اقدام نمود. لذا جدول (۵) نتایج برآورد الگوی لجیت پس از حذف متغیرهای بی‌معنی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج برآورد الگوی لجیت از روش حداکثر درست نمایی پس از حذف متغیرهای بی‌معنی (گام به گام)

متغیرها	ضرایب برآورده شده	آماره تی	کشش کل وزنی	اثر نهایی
ضریب ثابت	۷/۳۸	***۵/۵۰	۰/۵۴۵	-
سن	۰/۴۸۷	**۲/۱۵	۰/۹۱۸	۰/۶۲۹
تعداد افراد خانواده	-۰/۷۰۶	***۳/۶۷	-۰/۱۸۶	-۰/۹۱۳
تأهل	-۱/۴۵	***۲/۵۱	-۰/۷۹۵	-۰/۱۸۸
مبلغ پیشنهادی	-۴/۸۰	***۶/۲۸	-۰/۴۲۴	-۰/۶۲۱
درصد پیش‌بینی صحیح	۰/۹۲۱۴۱	تابع لگاریتم درست‌نمایی		-۶۳/۳۷۶
معناداری	۰/۰۰۰۱	نسبت راست‌نمایی		۳۲۹/۵۱۸
ضریب تعیین مادالا	۰/۵۹۰۵۸	ضریب تعیین مک فادن		۰/۷۲۲۲۰
*** و ** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱ و ۵ درصد		ضریب تعیین استرلا		۰/۷۹۴۸۰

با حذف متغیرهای بی‌معنی به صورت گام گام، مشاهده می‌گردد که تنها متغیر سن پس از حذف سایر متغیرها معنادار شده است. با توجه به اینکه در مدل لاجیت، ضریب برآورده شده اولیه تنها علائم تأثیر متغیرهای توضیحی را نشان می‌دهند و تفسیر مقداری ندارند، بلکه اثرات نهایی هستند که مورد تفسیر قرار می‌گیرند. در نتیجه در ادامه به تفسیر اثر نهایی متغیرهای توضیحی که معنادار شده‌اند پرداخته خواهد شد.

اثر نهایی متغیر سن برابر با ۰/۶۹۲ می‌باشد که مبین این است که با ثابت فرض کردن سایر عوامل، یک واحد افزایش در میزان سن افراد منجر به ۰/۶۹۲ درصد افزایش در احتمال تمایل به پرداخت جهت مشارکت در ورزش می‌شود.

اثر نهایی متغیر تعداد افراد خانواده برابر با ۰/۹۱۳- می‌باشد که نشان دهنده آن است که با ثابت فرض کردن سایر عوامل، به ازای یک نفر افزایش در تعداد افراد خانواده احتمال تمایل به پرداخت جهت مشارکت در ورزش ۰/۹۱۳- درصد کاهش می‌یابد.

اثر نهایی متغیر تأهل برابر با ۰/۱۸۸- می‌باشد که مبین این است که با ثابت فرض کردن سایر عوامل، با افزایش تعداد متأهلین احتمال تمایل به پرداخت جهت مشارکت در ورزش ۰/۱۸۸- درصد کاهش پیدا می‌کند.

اثر نهایی متغیر مبلغ پیشنهادی برابر با ۰/۶۲۱- می‌باشد که نشان دهنده آن است که با ثابت فرض کردن سایر عوامل، یک واحد افزایش در مبلغ پیشنهادی احتمال تمایل به پرداخت جهت مشارکت در ورزش را ۰/۶۲۱- درصد کاهش می‌دهد.

در مرحله نهایی جهت بررسی بزارش مدل ابتدا مقدار آماره نسبت راستنمایی با درجه آزادی ۴ برابر ۳۲۹/۵۱۸ محاسبه گردید و از آنجا که این مقدار بالاتر از مقدار ارزش احتمال (سطح معناداری) می‌باشد، لذا کل الگوی برآورد از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. مقادیر ضریب تعیین مک فادن، استرلا و مادلا برای الگوی لوجیت برآورد شده به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۹ و ۰/۵۹ می‌باشد که این مقادیر با توجه به تعداد مشاهدات متغیر وابسته کمیت مطلوبی دارد. به‌طور مثال ضریب تعیین مک فادن نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی مدل توانسته‌اند حدود ۷۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (احتمال تمایل به پرداخت) را توضیح دهند. درصد پیش‌بینی صحیح الگوی برآورد شده نیز بالغ بر ۰/۹۲ می‌باشد، در نتیجه تحلیل‌های الگو قابل اطمینان است.

در نهایت جهت برآورد ارزش اقتصادی مشارکت در ورزش، از میزان مورد انتظار تمایل به پرداخت استفاده شد. بدین ترتیب که پس از برآورد مدل لاجیت، با انتگرال‌گیری عددی در محدوده صفر تا بالاترین پیشنهاد از طریق رابطه (۸) و به‌صورت زیر به‌دست آمده است.

$$E(WTP) = \int_0^{90000} \frac{1}{1 + \exp(-(5.86334 - 4.8))} dA = 66899.5$$

میانگین تمایل به پرداخت افراد جهت مشارکت در ورزش ۶۶۸۹۹/۵ تومان در ماه به‌دست آمده است. حال اگر این مبلغ را در عدد ۱۲ (ماه) ضرب نماییم میانگین تمایل افراد در یک‌سال به‌دست خواهد آمد که این مقدار ۸۰۲۷۹۴ تومان در سال خواهد بود که ارزش اقتصادی سالانه مشارکت در ورزش برای هر فرد می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی از اهمیت فراوانی در ارتقای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی افراد جامعه برخوردار است این پژوهش با هدف ارزش‌گذاری اقتصادی مشارکت در ورزش و تعیین میزان تمایل افراد به پرداخت هزینه (تقاضا برای ورزش) انجام شده است. در واقع با بررسی‌های به‌عمل آمده و توزیع پرسشنامه‌های تحقیق، نتایجی حاصل گردید که توجه به آن، می‌تواند موجب ارتقای ساختار مشارکت ورزشی و در نتیجه توسعه میزان مشارکت در جامعه گردد.

نتایج پژوهش نشان داد از بین عوامل مورد بررسی، رابطه چند عامل با میزان تمایل به پرداخت معنادار شده است که این عوامل شامل: سن، تعداد افراد خانواده، تأهل و مبلغ پیشنهادی است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش انوکی و همکاران (۲۰۱۲)، (۲۰۱۴)، استرواینسکی (۲۰۱۰) و لرا لویز و رپن گرت (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. هرچند معناداری تأثیر سایر نتایج تأیید نشده است اما علامت انتظاری آن (مثبت و منفی) قابل تفسیر و بررسی بیشتر می‌باشد در نتیجه در ادامه به تشریح کلیه نتایج پژوهش پرداخته خواهد شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد بانوان نسبت به آقایان احتمال بیشتری دارد که تمایل به پرداخت داشته باشند. این یافته با نتایج پژوهش لرا لویز و رپن گرت (۲۰۰۷) همسو اما با نتایج پژوهش‌های فرل و شیلدس (۲۰۰۲)، هامفریس و روسسکی (۲۰۰۶) هینریچس و همکاران (۲۰۱۰) همسو نمی‌باشد. این عدم هم‌خوانی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. شاید بتوان یکی از دلایل این امر را در این مورد دانست که بانوان زمان بیشتری برای صرف فعالیت‌های ورزشی دارند و به تبع تمایل بالاتری برای پرداخت هزینه و گرایش به ورزش دارند؛ چون آقایان در طول روز مشغول روزمرگی‌های بیشتری هستند و در طول روز فعالیت‌های بیشتر شغلی دارند به نسبت بانوان شاید کمتر بتوانند در فعالیت‌های ورزشی حضور داشته باشند. البته می‌توان به شکلی دیگر دلیلی را برای این امر مطرح کرد که آقایان به دلایل فرهنگی، شرایط بهتری را برای حضور در فعالیت‌های ورزشی در محیط دارند و می‌توانند در محیط پارک‌ها و فضاهای سبز شهرها به فعالیت بپردازند. این در حالی است که بانوان به همین دلایل فرهنگی و مذهبی امکان حضور کمتری در این محیط‌ها دارند و به همین دلیل تمایل بیشتری برای پرداخت هزینه‌های

ورزشی دارند تا به هر صورتی در ورزش و فعالیت‌بدنی مشارکت نمایند. از دیگر دلایل می‌توان به نقش مدیریت بدن اشاره نمود. زیرا بانوان توجه بیشتری به ظاهر جسمانی خود داشته و به دلیل داشتن اندامی متناسب سعی در پرداخت هزینه به شیوه‌های مختلف برای داشتن اندامی مناسب دارند و ورزش به‌عنوان بهترین وسیله‌ی زیباسازی جسم می‌تواند مخارجی را برای بانوان به همراه داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها، باشگاه‌ها و مؤسسه‌های ورزشی برای داشتن سود بیشتر، در تبلیغات خود بر جامعه هدف بانوان تأکیدی بیشتری داشته باشند و همچنین با توجه به نتایج پژوهش در مورد مردان که تمایل کمتری برای پرداخت هزینه جهت مشارکت در ورزش وجود دارد، در نتیجه سیاست‌های تشویقی برای جذب مردان در فعالیت‌های ورزشی اتخاذ گردد. به‌عنوان مثال با اهدای کارت‌های تخفیف باشگاه‌های ورزشی می‌توان به این مهم دست یافت. از دیگر عوامل مؤثر بر تقاضا در ورزش وضعیت تأهل می‌باشد. پاولوسکی و بروئر (۲۰۱۱) و فرل و شیلدس (۲۰۰۲)، نیز بر نقش تأهل تأکید دارند. در این پژوهش نیز یافته‌ها نشان داد افراد متأهل نسبت به افراد مجرد احتمال کمتری دارد که تمایل به پرداخت داشته باشند. در این خصوص می‌توان گفت افراد متأهل به دلیل اینکه مخارج بیشتری در زندگی دارند و ورزش شاید از اولویت‌های بعدی آنها در زندگی باشد تمایل کمتری برای پرداخت هزینه دارند. از دیگر دلایل این نتایج باید گفت افراد متأهل چون در طول روز معمولاً در اجتماع هستند و به دنبال کسب و کار، ساعات استراحت خود را در کنار خانواده‌هایشان سپری می‌کنند و این امر سبب می‌شود افراد مجرد تمایل بیشتری برای پرداخت هزینه داشته باشند. همچنین افراد متأهل دارای فرزند نیز زمان کمتری را برای مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی خواهند داشت نتایج پژوهش کلین (۲۰۰۹) و هوومن و ویکر (۲۰۰۹) نیز نشان‌دهنده تأثیر فرزندان و اشتغال بر مشارکت در ورزش می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای اینکه افراد متأهل تمایل به مشارکت ورزشی بیشتر داشته باشند، از اقداماتی نظیر متناسب‌سازی جو باشگاه‌ها جهت حضور افراد متأهل، اختصاص زمان مناسب به گروه‌های افراد متأهل استفاده گردد. همچنین یافته‌ها نشان داد که با افزایش تحصیلات، تمایل بیشتری برای پرداخت وجود دارد. این امر منطقی به نظر می‌رسد زیرا زمانی که افراد تحصیل بالاتری دارند بی‌شک نگرش آنها به فعالیت‌های ورزشی مناسب‌تر خواهد بود و این می‌تواند در نتیجه افزایش سطح سواد و آگاهی‌های ورزشی و تأثیر آن بر ابعاد مختلف جسمانی و روانی فرد باشد. همچنین افراد به این موضوع پی خواهند برد که هزینه‌های پرداختی آنها موجب پیامدهای مثبت در جسم و روح آنها می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش پاولوسکی و بروئر (۲۰۱۱)، هینریچس و همکاران (۲۰۱۰)، هوومن و ویکر (۲۰۰۹)، لرا لویز و رپن گرت (۲۰۰۷) و هامفریس و روسسکی (۲۰۰۶)، همسو می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با ارتقای سطح سواد ورزشی افراد از طریق تولید برنامه‌های آموزشی و ترویجی در قالب رسانه‌های جمعی در جهت جذب افراد در جهت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و در نتیجه افزایش تمایل به پرداخت گام برداشته شود. یافته‌های بخش درآمد خانواده نشان داد ضریب متغیر درآمد که یکی از مهمترین متغیرهای توضیحی می‌باشد مثبت شده است و این علامت با تئوری مطابقت دارد و حاکی از آن است که میزان پذیرش مبلغ پیشنهادی ارائه شده، همراه با افزایش درآمد افزایش می‌یابد. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش هینریچس و همکاران (۲۰۱۰)، هامفریس و روسسکی (۲۰۰۶) و فرل و شیلدس (۲۰۰۲) همسو است. این امر به سبب افزایش توان مالی افراد است و شکی نیست افرادی که از توانایی مالی مناسب برخوردارند تمایل بالاتری برای پرداخت هزینه در ورزش دارند. همچنین افراد با درآمد بالا به ورزش‌هایی روی می‌آورند که هزینه‌های بالاتری نسبت به ورزش‌های دیگر دارد. لذا هرچه سطح درآمد بالاتر باشد تردید در پرداخت هزینه کمتر است چرا که مشکلات مالی کمتری دارند. این بدان معناست که دغدغه‌های مالی آنها کمتر است و می‌توانند اوقات فراغت بیشتری داشته باشند و ورزش را در سبد مصرفی اوقات فراغت خود جای دهند.

یافته‌ها در خصوص ضریب متغیر تعداد اعضای خانواده منفی شده است. این نشان می‌دهد افرادی که در خانواده‌های پرجمعیت زندگی می‌کنند احتمال کمتری دارد که تمایل به پرداخت داشته باشند؛ که این امر به دلیل مخارج بالای زندگی در خانواده‌های پر جمعیت می‌باشد. لذا ورزش و پرداخت هزینه برای انجام فعالیت‌های ورزشی از اولویت‌های زندگی خانواده‌های پر جمعیت نیست؛ چرا که تأمین مخارج زندگی این نوع خانواده کار بیشتری را می‌طلبد و برای مخارج زندگی برنامه‌ریزی دقیق‌تری وجود دارد. از این رو خانواده‌های پرجمعیت ابتدا به تأمین مخارج مرتبط با معیشت و پوشاک و مسکن و سرپناه

می‌پردازند، سپس به تحصیلات و آموزش افراد خانواده توجه خواهند داشت و در نهایت اگر بودجه مازاد بر مخارج ضروری خانوار در دسترس آنها قرار داشته باشد، در زمینه مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی نیز هزینه خواهند کرد. نتایج پژوهش هامفریس و روسسکی (۲۰۰۶) نیز نشان داد تعداد کودکان یک خانواده تأثیر منفی بر مشارکت در ورزش دارد. در نتیجه میزان تمایل به پرداخت نیز کاهش خواهد یافت. یافته‌ها در خصوص ضریب متغیر سن مثبت شده است. این یافته برخلاف نتایج پژوهش‌های استراوینسکی (۲۰۱۰)، هوومن و ویکر (۲۰۰۹)، بروئر و ویکر (۲۰۰۹) و هامفریس و روسسکی (۲۰۰۶) بوده است. اما این یافته‌ها با نتایج پژوهش لرا لویز و رین گرت (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. بدین ترتیب با افزایش سن، احتمال پذیرش مبلغ پیشنهادی افزایش می‌یابد. این یافته به این دلیل مثبت شده است که با افزایش سن، افراد دارای منبع مالی بهتری نسبت به افراد جوان هستند و می‌تواند برای ورزش هزینه بیشتری را متقبل شوند که ناشی از منابع درآمدی بیشتر می‌باشد. همچنین ضرورت انجام فعالیت‌های ورزشی در افراد مسن به دلیل مقابله با بیماری‌ها و تجویز پزشک بیشتر است و این دلیل منطقی برای پذیرش هزینه‌ی بیشتر نسبت به افراد جوان‌تر است. با این حال نتایج پژوهش‌ها در زمینه تأثیر سن بر مشارکت و تمایل به پرداخت محل بحث می‌باشد به طوری که هنریچ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود اظهار نمودند که افزایش سن با افزایش فعالیت بدنی بانوان تا سن ۵۰ سال را به دنبال خواهد داشت. این نتیجه می‌تواند تأثیر جنسیت بر تمایل به پرداخت را مورد حمایت قرار دهد زیرا نتایج نشان داد که بانوان نسبت به آقایان احتمال بیشتری دارد که تمایل به پرداخت داشته باشند. نتایج پژوهش بروئر و ویکر (۲۰۰۹) و فرل و شیلدس (۲۰۰۲) نیز نشان داد با افزایش سن میزان فعالیت بدنی در آقایان کاهش، اما در بانوان افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش دونوارد و ریوردن (۲۰۰۷) نیز نشان داد مشارکت ورزشی با سالمندی افزایش خواهد یافت.

در خصوص مبلغ پیشنهادی هم می‌توان گفت هر چه قدر میزان هزینه در ورزش افزایش یابد تمایل پرداخت و مشارکت در ورزش کاهش می‌یابد که منطقی به نظر می‌رسد و افراد سعی دارند که با کمترین هزینه از بهترین امکانات و تجهیزات و کیفیت در ورزش بهره‌مند شوند. در واقع هر چقدر میزان هزینه کمتر باشد افراد تمایل بیشتری برای پرداخت دارند و میزان مشارکت آنها افزایش می‌یابد. لذا باید تا آنجایی که امکان دارد فعالیت‌هایی را برای جوانان و دیگر اقشار جامعه طراحی نمود که هزینه‌های بالایی را شامل نشود و افراد توان تأمین مخارج جهت مشارکت در ورزش را داشته باشند. برای این امر می‌توان راهکارهایی ارائه نمود که سبب افزایش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی از طریق کاهش هزینه‌ها شود. در این بخش ساخت اماکن ورزشی در محلات و بخش‌های کوچک شهر، امکان دستیابی بیشتر تمامی اقشار را به فضاهای ورزشی به وجود می‌آورد و سبب می‌شود شرایط مشارکت در فعالیت‌های ورزشی برای افراد با هزینه کمتری همراه باشد. این اقدام نه تنها موجب می‌شود که افراد به امکانات و تأسیسات ورزشی به راحتی دسترسی داشته باشند بلکه می‌تواند بر میزان مشارکت آنها در ورزش نیز بیفزاید. همچنین می‌توان با درگیر کردن نهادهای دولتی و غیردولتی و استفاده از حمایت‌های آنها در امر شرکت دادن افراد در فعالیت‌های ورزشی، فرصت مشارکت در ورزش با هزینه کم را نیز فراهم نمود. همچنین توسعه و تقویت ورزش در مناطق روستایی کشور از ضروریات مشارکت در ورزش و کاهش هزینه‌های رفت و آمد روستاییان به شهر و صرف هزینه‌های اضافی است. زمانی که علاوه بر شهرها توجه و تمرکز بر اجرای برنامه‌های ورزشی در روستاها و نواحی کوچک داشته باشیم استعدادهای بیشتری جذب ورزش و به تبع مشارکت ورزشی بیشتری حاکم می‌شود. همچنین توجه به مشارکت ورزشی اقشار آسیب‌پذیر از راهکارهای دیگر این بخش است. چرا که بسیاری از افراد ممکن است سطح درآمدی پایینی داشته و توانایی حضور در اماکن ورزشی را نداشته باشند. بنابراین اقداماتی نظیر توسعه و ترویج ورزش‌های با هزینه اندک، برگزاری مسابقات در قالب محلات از طرف شهرداری‌ها و یا شوراها و دهیاری‌ها می‌تواند تمامی شرایط برابر، برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را برای جامعه هدف بیشتری فراهم نماید. در بخش بعدی یافته‌ها، ضریب متغیر میزان اهمیت ورزش مثبت شده است. بدین ترتیب با افزایش اهمیت ورزش، احتمال پذیرش مبلغ پیشنهادی افزایش خواهد یافت. اهمیت مشارکت ورزشی برای سلامتی و رفاه در مطالعات متعدد نشان داده شده است و با افزایش نگرانی در مورد مسائل بهداشتی مانند شیوع چاقی، سلامت و رفاه شهروندان، نقش مشارکت ورزشی در بهبود زندگی شهروندان به یک موضوع بسیار مهم و حیاتی برای سیاست‌گذاران تبدیل گشته است. از این

رو مشارکت ورزشی بسیار حائز اهمیت است و کسانی که این اهمیت را مورد توجه خود قرار می‌دهند تمایل بیشتری برای پرداخت هزینه در ورزش دارند. از سوی دیگر اهمیت و مهم بودن ورزش با سطح سواد و آگاهی ورزشی و همچنین فرهنگ ورزش رابطه نزدیک دارد در نتیجه با افزایش سطح هریک از عوامل فوق احتمال افزایش مهم بودن مشارکت در ورزش برای افراد افزایش یافته در نتیجه تمایل به پرداخت نیز افزایش خواهد یافت. لذا ظرفیت‌سازی فرهنگی و رسانه‌ای از عوامل بسیار مهم و حیاتی در ارتقای تمایل گرایش افراد به ورزش و حتی صرف هزینه‌ها است. این امر با ارائه دید مناسب به افراد مشارکت ورزشی را بهبود می‌بخشد و آگاهی‌های لازم را به افراد می‌دهد. لذا هر چه این آگاهی بالاتر برود، افراد شناخت بیشتری از فواید ورزش دارند و این مهم سبب می‌شود که اهمیت فعالیت‌های ورزشی درک شود و افراد برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی تمایل به صرف هزینه داشته باشند. از ابزارهای مورد استفاده در این بخش می‌توان به بازاریابی اجتماعی جهت توسعه ورزش در بین جامعه اشاره نمود.

در پایان باید ذکر کرد توجه به تعیین میزان تمایل افراد به پرداخت هزینه در ورزش می‌تواند سیاست‌گذاران را در راستای افزایش مشارکت ورزشی افراد جامعه یاری دهد تا با توجه به نتایج به‌دست آمده، سعی در ایجاد توازن در هزینه‌های ورزشی با توجه به امکانات و تجهیزات ورزشی برای مصرف‌کنندگان ورزش داشته باشند. از این رو نتایج این پژوهش برای اولین بار در ایران به‌دست آمده و می‌تواند دید جدیدی به اقتصاد ورزش داشته باشد.

منابع

- اشفدر، مارک ج (۱۳۹۲). اقتصاد در ورزش. مترجم: سیدمحمدحسین رضوی، محسن بلوریان، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی شمال پایدار، آمل.
- شایسته، کیوان؛ شبانی، حسن (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر کاهش قدرت خرید بر نحوه خرید و استفاده مواد شوینده و پاک‌کننده در میان مصرف‌کنندگان شهر تهران»، تحقیقات نوین بازاریابی، (۳)۵، ۱۲۱-۱۴۲.
- کلاشی، مازیار؛ حسینی، سید عماد؛ رجایی، محمد هادی (۱۳۹۵). «اثر مخارج ورزشی دولت و خانوار بر تولید ناخالص داخلی در ایران»، مطالعات مدیریت ورزشی، ۸ (۳۸)، ۸۲ - ۱۶۵.
- Anokye, NK; Pokhrel, S; Buxton, M; Fox-Rushby, J. (2012). The demand for sports and exercise: results from an illustrative survey. *Eur J Health Econ*, 13, 277-287.
- Anokye, NK; Pokhrel, S; Fox-Rushby, J. (2014). Economic analysis of participation in physical activity in England: implications for health policy. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 11, 117.
- Asafu-Adjaye, J., Tapsuwan, S. (2008). A contingent valuation study of scuba diving benefits: Case study in Mu Ko Similan Marine National Park, Thailand. *Tourism Management*, 29(2), 1122-1130.
- Breuer C, Wicker P (2009) Decreasing sports activity with increasing age? Findings from a 20-year longitudinal and cohort sequence analysis. *Res Q Exerc Sport*, 80(1), 22-31.
- Breuer, C. (2006). Sport participation in Deutschland _ ein demoo `konomisches Modell [Sports participation in Germany _ A demo-economic model]. *Sport wissenschaft-The German Journal of Sport Science*, 36(3), 292- 305.
- Cawley, J. (2004). An economic framework for understanding physical activity and eating behaviours. *Am. J. Prev. Med.* 27(3S), 117-125.
- Downward, P., Riordan, J. (2007). Social Interactions and the Demand for Sport: An Economic Analysis. *Contemporary Economic Policy*, 25(4), 518-537.
- Farrell, L., & Shields, M. A. (2002). Investigating the economic and demographic determinants of sporting participation in England. *Journal of the Royal Statistical Society (Series B)*, 165(2), 335- 348.
- Hallmann, K; Breuer, C. (2014). The influence of socio-demographic indicators economic determinants and social recognition on sport participation in Germany. *European Journal of Sport Science*, 14(1), 324-331.
- Haneman, N; (2007). Cost and Benefit analysis and the environment. Edward Publishing Limited.

- Hinrichs T, Trampisch U, Burghaus I, Endres H, Klaaßen-Mielke R, Moschny A, Platen P. (2010). Correlates of sport participation among community-dwelling elderly people in Germany: a crosssectional study. *European Rev Aging Phys Act.* 7(2), 105-115.
- Hovemann G, Wicker P. (2009) Determinants of sport participation in the European Union. *European J Sport Soc*, 6(1), 49-57.
- Humphreys, B. R., & Ruseski, J. E. (2009). The economics of participation and time spent in physical activity (Working paper 2009- 09). Edmonton: University of Alberta, Department of Economics, Institute for Public Economics.
- Humphreys, BR; Ruseski, JE. (2006). Economic Determinants of Participation in Physical Activity and Sport. Working Paper Series, 06-13, 1-25.
- Klein T (2009) Determinanten der Sportaktivität und der Sportart im Lebenslauf. *Kölner Zeitschrift für Soziologie und Sozialpsychologie*, 61(1), 1-32.
- Lee, C. K., & Han, S. Y. (2002). Estimating the use and preservation values of national parks' tourism resources using a contingent valuation method. *Tourism Management*, 23(5), 531- 540.
- Lera-López, F; Rapún-Gárate, M. (2007). The Demand for Sport: Sport Consumption and Participation Models. *Journal of Sport Management*, 21, 103-122.
- Pawlowski, T; Breuer, C. (2011). The Demand for Sports and Recreational Services: Empirical Evidence from Germany, *European Sport Management Quarterly*, 11(1), 5-34.
- Strawinski, P. (2010). Economic determinant of sport participation in Poland. *Rivista Di, Doritto Ed Economia Dello Sport.* 51(3), 55-76.
- Sturm, R. (2004). The economics of physical activity: societal trends and rationales for intervention. *Am. J. Prev. Med.* 27(3S), 126-135.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

کلاشی، مازیار؛ کریمی، جواد؛ عیدی، حسین (۱۳۹۸). «ارزش‌گذاری اقتصادی مشارکت در ورزش و تعیین میزان تمایل افراد به پرداخت هزینه (تقاضا برای ورزش)»، پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۹ (۱۷)، ۹۵-۱۰۷.